ماردین ابراهیم

وقتی مریوان حلبچه‌ای، مترجم پرکار و دغدغه‌مند، تصمیم می‌گیرد اثری را به زبان فارسی برگرداند، تنها یک کتاب تازه به قفسه کتابخانه‌ها اضافه نمی‌شود؛ بلکه پلی برای نزدیکی هرچه بیشتر فرهنگ‌های همسایه برقرار می‌شود. «رویای مردان ایرانی»، رمان تحسین‌شده ماردین ابراهیم، نویسنده، شاعر، مترجم و استاد دانشگاه متولد ۱۹۷۴ در سلیمانیه کردستان عراق، اثری است که رنج، عشق و میراث مشترک ساکنان خاورمیانه را با روایتی تازه و شاعرانه به تصویر می‌کشد. ابراهیم که نزدیک به دو دهه از زندگی خود را در لندن گذرانده و حضوری فعال در ادبیات کردی معاصر دارد، اولین اثر داستانی خود را با الهام از هویت و سرگذشت مردم این منطقه نوشته است؛ او در کنار نویسندگی، در حوزه ترجمه و جستارنویسی نیز نام‌آشناست و همواره دغدغه پیوند زدن سنت و نوگرایی را در آثارش دنبال کرده است.

در قلب این رمان، شاهکار ادبی کهن «مم و زین» موج می‌زند؛ اثری عاشقانه و حماسی از سده هفدهم میلادی، نوشته احمد خانی که در ادبیات کرد همان جایگاهی را دارد که «رومئو و ژولیت» برای غربیان؛ روایتی از عشق ممنوع، جدایی، هویت و مبارزه که طی قرن‌ها به اسطوره‌ای اثرگذار تبدیل شده و الهام‌بخش نسل‌های بی‌شماری از شاعران و نویسندگان بوده است. «مم و زین» نه تنها ستایشگر امید و پایداری، بلکه نمادی از وحدت و پیوند است.

حلبچه‌ای که طی سال‌های گذشته نقش مهمی در معرفی نویسندگان شاخص ادبیات کردستان عراق همچون بختیار علی و فرهاد پیربال به فارسی‌زبانان ایفا کرده، این بار سراغ نسلی تازه از نویسندگان این جغرافیا رفته است؛ نسلی که جسورانه میان اسطوره و واقعیت حرکت می‌کند و روایت را از حصار زمان و جغرافیا می‌رهاند. «رویای مردان ایرانی» نه فقط بازآفرینی خلاقانه‌ای از «مم و زین» است که آینه‌ای در برابر خاورمیانه امروز نیز هست؛ با شخصیت‌هایی چندوجهی، روایتی متفاوت و نگاهی شاعرانه به عمیق‌ترین تراژدی‌های انسانی. منتقدان ادبی انتشار این اثر را مصداقی از تلاش و تعهد مریوان حلبچه‌ای برای گسترش فرهنگ گفت‌وگو می‌دانند؛ پلی از ادبیات برای پیوند قلب‌ها، حتی آن‌سوی مرزها.

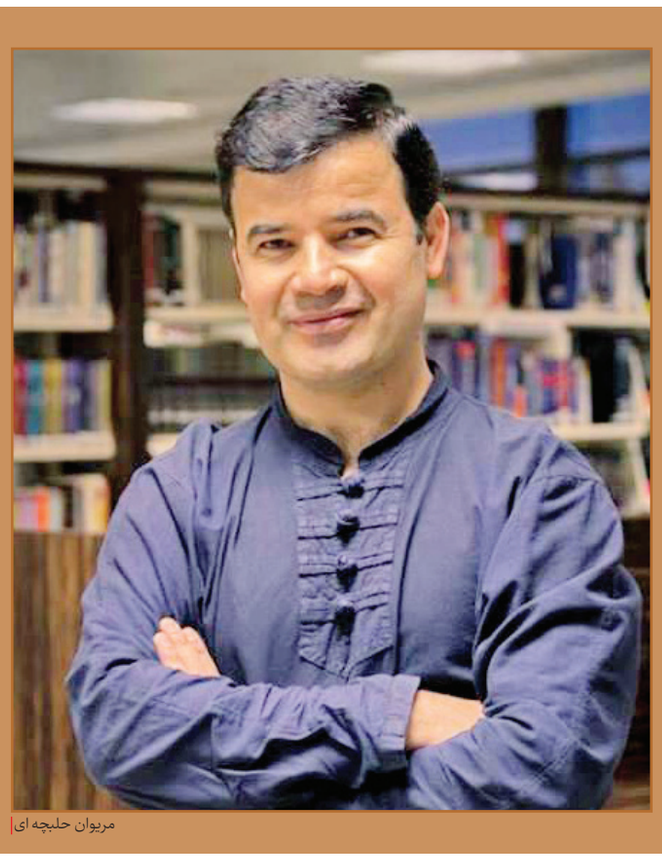
مریوان حلبچه ای

درد مشترک خاورمیانه

گفت‌وگو با مریوان حلبچه‌ای درباره ترجمه رمان رویای مردان ایرانی و معرفی ماردین ابراهیم نویسنده سرشناس کرد

گفت وگو

مریم شهبازی
گروه کتاب

با ترجمه «رویای مردان ایرانی»، ماردین ابراهیم را به مخاطبان ایرانی معرفی کرده‌اید؛ چه ویژگی خاصی در آثار این نویسنده، شما را به ترجمه اولین نوشته داستانی‌اش ترغیب کرد؟

من و ماردین ابراهیم دوستانی قدیمی هستیم. ماردین نویسنده و مترجم، شاعر و جستارنویسی مطرح است. دو دهه بعد از بختیار علی، هیوا قادر و فرهاد پیربال که از آنان هم کتاب‌های متعددی ترجمه و به مخاطب ایرانی معرفی کرده‌ام.

«رویای مردان ایرانی» سال ۲۰۰۸ منتشر شد، چرا ترجمه شما از آن با تأخیری قابل توجه منتشر شده؟

همان سالی که رمان «رویای مردان ایرانی» منتشر شد (۲۰۰۸) آن را خواندم، بسیار تحت‌تأثیر قرار گرفتم و ترجمه‌اش کردم اما بنا بر حذفیات زیاد ممیزهای معاونت فرهنگی دولت احمدی‌نژاد، از انتشارش صرفنظر کردم و تقریباً با وقفه‌ای هفده ساله منتشر شد. در دولت‌های بعدی ممیزی‌های کمتری به آن تحمیل کردند اما همچنان ترجیحم به صبر کردن بود. خوشبختانه در نهایت با تغییر بسیار کمی منتشر شد. از بحث ممیزی کار که بگذریم، این رمان یک اثر تجربه‌گرای متفاوت و خاص است. کسب چنین تجربه‌ای از سوی یک نویسنده کتاب اولی کار مهم و پرریسکی به شمار می‌آید. حتی فضای کلی کار و شخصیت‌پردازی‌های آن نیز فراتر از یک نویسنده با تجربه است. آن هم در شرایطی که بحث کتابی کم‌حجم درمیان است. این مسأله هم به جهت مضمون و هم ساختار اثر جای بحث دارد.

به خصوص که ابراهیم در این کتاب سراغ یکی از آثار شاخص ادبیات کهن کردی رفته که با این کار ریسک بیشتری کرده است. به هرحال وقتی بحث آثار شاخص و کهن به میان می‌آید، نقدهای موشکافانه‌تری متوجه اثر می‌شود!

بله. ماردین ابراهیم در این کتاب سراغ «مم و زین»، شاهکار جهانی ادبیات کهن کردی رفته است. همان‌طور که گفتید بهره‌مندی از چنین آثاری در کنار تمام فواید و کارکردهای احتمالی‌شان، سبب موشکافی و نقد جدی‌تر آنها می‌شود. او زندگی خالق این اثر ماندگار قرن شانزدهمی را دستمایه خلق نوشته‌اش ساخته و درباره تلاش حکومت عثمانی برای نابودی دست‌نوشته‌های احمد خانی نوشته است. آن‌طور که در کتاب هم آمده، در نهایت همه دست‌نوشته‌ها نابود می‌شوند و فقط یکی از آنها به اصطلاح جان سالم به در برده و سر از ایران درمی‌آورد.

مواردی که درباره این شاهکار ادبی در کتاب آمده، برگرفته از واقعیت هستند یا اینکه ماردین فقط برای جلب توجه مخاطب از نام این اثرعاشقانه بهره گرفته است؟

تمام و کمال واقعی نیست اما وقایع تاریخی در آن حضور دارند. از جمله می‌توان به توجهی اشاره کرد که نویسنده در این کتاب به طور غیر مستقیم به ماجرای ۱۹۱۵ و قتل‌عام ارامنه از سوی عثمانی نشان داده است. او به فجایعی پرداخته است که فقط فیزیکی و در قالب جنگ نیستند بلکه به عرصه کتاب و متون هم می‌رسند. با وجود این، این کتاب را نمی‌توان رمانی تاریخی دانست. داستان آن از دوران عثمانی و صفویه شروع می‌شود و به ایران معاصر هم می‌رسد، از اصفهان آن دوران گرفته تا خراسان که بخش زیادی از ماجرا در آن می‌گذرد. اگر کسی درباره ادبیات خراسان در قرن‌های مختلف مطالعه کرده باشد، متوجه حضور هوشمندانه این خطه در رمان می‌شود. این موارد عوامل مؤثری در علاقه‌ام به ترجمه این اثر بودند.

فقط بحث مضمون اثر است که آن را کار شاخصی ساخته یا از نظر ساختاری هم «رویای مردان ایرانی» اثر شاخصی است؟

ماردین ابراهیم در شخصیت‌پردازی هم عملکرد موفقی داشته است. حتی نوع روایتش هم قابل تأمل است. همین شخصیت اوفلیا را ببینید. ساخت و پرداخت شخصیت این دختر که در نتیجه شوک ناشی از مواجهه با جسد پدرش قدرت تکلم خود را از دست می‌دهد و سر از تیمارستانی در انگلستان درمی‌آورد، کار هر کسی نیست. روایت پریشانی حال و افسردگی حاد این شخصیت را خیلی خوب و استادانه درآورده است. البته این فقط نظر من مترجم نیست. منتقدان ادبی هم با چنین نگاهی به شخصیت‌پردازی اوفلیا پرداخته‌اند؛ آنان هم تأکید زیادی بر موفقیت ماردین ابراهیم در این کار دارند. همین است که تأکید دارم نوشتن چنین رمانی بدون تجربه قبلی ریسک بزرگی محسوب می‌شود، به خصوص که سراغ شاهکاری رفته که منجر به جلب توجه و البته دقت بیشتر منتقدان به نوشته‌اش شده است.

> ماردین ابراهیم در شخصیت‌پردازی عملکرد موفقی داشته و حتی نوع روایتش هم قابل تأمل است. ساخت و پرداخت شخصیت اوفلیا که در نتیجه شوک ناشی از مواجهه با جسد پدرش قدرت تکلم خود را از دست می‌دهد و سر از تیمارستانی در انگلستان درمی‌آورد، کار هر کسی نیست. روایت پریشانی حال و افسردگی حاد این شخصیت را خیلی خوب و استادانه درآورده است

ماردین ابراهیم در شخصیت‌پردازی اوفلیا، تحت‌تأثیر اوفلیای هملت هم بوده است؟

بله و هر دو از جهاتی به یکدیگر شباهت دارند. از جهت ساختاری، او حتی در نوع فصل‌بندی‌های مینی‌مالی که برای این کتاب انتخاب کرده هم جسارت زیادی از خود نشان داده است. ویژگی خاصی که متعلق به رمان‌های کوتاه یا به نوعی نوولا است. او در هیچ‌کدام از فصل‌ها توقف طولانی ندارد. بدون آن که ناقص شوند به سرعت از آنها می‌گذرد چرا که در نوولا نمی‌توان همچون رمان‌های معمول به موضوعات پرداخت. نویسنده به ناچار باید تمرکز کمی بر شخصیت‌ها داشته باشد و در عین حال از پس وظیفه‌ای که در نوشته‌اش به دوش شخصیت‌ها گذاشته است هم برآید.

به نظر می‌رسد که ابراهیم در این اثر توجهی ویژه به وضعیت کلی خاورمیانه طی سالیان دراز داشته نشان داده؛ خاورمیانه‌ای که همواره متحمل درد و رنج زیادی شده است!

بله، به خصوص که طی قرن‌های مختلف جنگ‌ها و ناآرامی‌های متعددی براین منطقه تحمیل کرده‌اند. حتی تصویری از رنج و دشواری‌های تحمیلی بر جهان سوم هم در این اثر دیده می‌شود.

او در استفاده از اسطوره هم جسورانه عمل کرده است!

بله و خیلی خوب از آن بهره برده است. اینها گویای مطالعاتی است که او درباره تاریخ عراق و از سویی کشورهای این منطقه انجام داده است. از سوی دیگر ماردین آشنایی خوبی هم با اسطوره‌ها و ادبیات دارد که همه اینها نتیجه نهایی نوشته‌اش را به کاری فراتر از نوشته یک نویسنده کتاب اولی تبدیل کرده است. ماردین ابراهیم خیلی هوشمندانه و آگاهانه این رمان را نوشته است. به نظر می‌رسد که «رویای مردان ایرانی» نتیجه سال‌ها مطالعات عمیق و کاوشگرانه‌اش باشد. طی پنج- شش ماهی که از انتشار این رمان می‌گذرد، نشست‌های نقد و بررسی متعددی برای این اثر در شهرهای مختلف برگزار شده است. با حضور در این نشست‌ها با بازخوردهای خوبی روبه‌رو شده‌ام که گویای استقبال جامعه کتابخوان ایرانی است.

ماردین ابراهیم با اولین نوشته‌اش حضور قدرتمندی از خود به نمایش می‌گذارد؛ حضوری که بی‌شک توقع منتقدان و علاقه‌مندان را از او در کارهای بعدی‌اش بالاتر برده است. این افزایش توقع در ادامه مسیر برای او مشکل‌ساز نشده است؟

وقتی نویسندگانی نظیر شیرکو بیکس، شیرزاد حسن و بختیار علی از او با عنوان یک پدیده نوظهور در ادبیات کردی یاد کرده‌اند بی‌شک ادامه کار برای او بسیار سخت‌تر و توقعات از او بیش از حد زیاد شده است. با این حال دومین نوشته‌اش هم کار خوبی است. اما اغلب منتقدان توقع داشتند که کاری به مراتب بهتر از «رویای مردان ایرانی» را عرضه کند. هرچند که در نهایت نظر منتقدان همچنان به آثارش مثبت باقی مانده است و خود من هم کار ترجمه نوولای دیگری از ماردین را هم تمام کرده‌ام. اگر گرفتار سانسور نشود بزودی منتشر می‌شود.

ماردین ابراهیم در آثار بعدی‌اش گرفتار تکرار «رویای مردان ایرانی» نشده؟ موفق به عبور از اثری که موفقیت زیادی برای او به دنبال داشته شده است؟

ابراهیم نویسنده‌ای تجربه‌گرا به شمار می‌آید. در رمان جدیدی که از او ترجمه کرده‌ام و در دست چاپ است خبری از تکرار نیست.

در این اثر هم از تاریخ بهره گرفته است؟

بله، ولی نه به شکلی که با تکرار درآمیخته باشد. البته استفاده از تاریخ دلیلی بر تکرار نیست. او در زبان و ساختار اثر هم شیوه تازه‌ای را در پیش گرفته است. اگر نوولای «رویای مردان ایرانی» زبانی گاه شاعرانه دارد، در نوشته دوم چنین خبری نیست. ناگفته نماند که ماردین ابراهیم در ترجمه هم اغلب سراغ آثار شاخصی رفته است و این نشان‌دهنده مطالعات زیادی است که دارد. ماردین برخوردار از اندیشه انتقادی عمیقی است که بازتاب آن در آثار تألیفی و حتی ترجمه‌های او نیز دیده می‌شوند.

ماردین ابراهیم، نویسنده‌ای از اقلیم کردستان است که از سال‌ها قبل در لندن زندگی می‌کند؛ با این حال چرا عنوان نوشته‌اش را «رویای مردان ایرانی» گذاشته است؟

او به ایرانیان علاقه زیادی دارد و آنان را مردمانی صلح‌دوست و صلح‌جو می‌داند. نوولا «رویای مردان ایرانی» را هم می‌توان در ستایش دوستی و عشق و صلح دانست؛ مضامینی که فارغ از همه مرزبندی‌ها، جهانیان را به صلح دعوت می‌کند.

آقای حلبچه‌ای، درد و رنجی که به این منطقه جنگ‌خیز گره خورده است در همه ترجمه‌های شما حضوری دائمی دارد؛ این در نتیجه توجهی است که نویسندگان این اقلیم به مضامین مذکور دارند یا بحث سلیقه و انتخاب خودتان است؟

همان‌طور که نویسندگان در خلق آثار خود به مضامین خاصی توجه دارند، مترجمان نیز در انتخاب آثار خط فکری مطلوب خود را دنبال می‌کنند.

میزان آشنایی مخاطبان ایرانی را با نویسندگان اقلیم کردستان در سال‌های اخیر چطور ارزیابی می‌کنید؟

اگر بخواهم بنا بر تجربه شخصی خودم به این سؤال پاسخ بدهم به گمانم بازار کتاب دیگر فقط در سیطره نویسندگان اروپایی و آمریکایی نیست. علاقه‌مندان ادبیات جهان در ایران با نویسندگان کرد هم آشنا شده‌اند. خود من که تا به امروز بازخوردهای زیادی از خوانندگان دریافت کرده‌ام. ادبیات کرد در ایران بسیار محبوب است و علاقه‌مندان بسیاری دارد و همین مایه دلگرمی بیشتر من است و باتمام مشکلات و موانع و سختی‌هایی که وجود دارد، باتمام توانم به کارم ادامه می‌دهم؛ کاری که با تمام وجود قریب به سه دهه است انجام می‌دهم و از این راه توانسته‌ام پلی فرهنگی میان کردستان و ایران بزنم و قلب‌های بیشماری را باهم پیوند بدهم.

رویای مردان ایرانی

- **نویسنده:** ماردین ابراهیم
- **مترجم:** مریوان حلبچه‌ای
- **ناشر:** چشمه
- **تعداد صفحه:** ۱۵۴ صفحه

قیمت: ۲۱۵ هزار تومان

روزی که صدایم خاموش شد

مغازه پدرم نسبتاً کوچک بود و بیشتر به کارگاه عطرسازی شباهت داشت تا مغازه. نمی‌دانستم به خاطر دویدن نفسم بالا نمی‌آمد یا بوی تند و غیرعادی عطری که در مغازه پدرم پیچیده بود. قبل از آن که وارد مغازه شوم، با اضطراب و ترس ناشی از بوی تند عطر و غیاب پدرم صدا کردم «بابا!... بابا!...» اما هیچ جوابی نشنیدم. وارد مغازه شدم و پدرم را دیدم که غرق خون، با شکمی شکافته بر تلی از شیشه‌های خردشده عطر افتاده است. یکه خوردم و با دهانی باز به او خیره شدم، زبانم بندآمده بود.

مغازه نسبتاً تاریک بود و شمعی کم‌سو که پدرم همیشه از زن هندی روبه‌روی خانه‌مان می‌خرید، کمی آنجا را روشن کرده بود. شعله شمع چهره پدرم را رخشان کرده بود و توانستم شیشه شکسته خون‌آلود نوشیدنی را کنار پدرم ببینم. خشکم زده بود. هیچ کاری نمی‌توانستم بکنم؛ فقط توانستم فریاد بزنم. آن فریاد، آخرین فریاد من بود، آخرین صدایی که از گلویم خارج شد. با صورت رنگ پریده و زبان بند آمده، مثل دونده‌ای در حال مسابقه، چنان تند به طرف خانه دویدم که انگار نه انگار دختر هجده ساله‌ای بودم که کل عمرش را فقط میان خانه و مدرسه و مغازه پدرش رفت‌وآمد کرده بود. سرآسیمه و آشفته وارد خانه شدم و مات و مبهوت به مادرم نگاه کردم. دست راستم را به طرف مغازه پدرم دراز کردم. مادرم انتظار نداشت چیزی بگویم، خودش فهمیده بود فاجعه‌ای رخ داده است.

حالا که به آن روز می‌اندیشم از خودم می‌پرسم چه فکری به ذهن مادرم رسیده بود؟ معلوم است که مادرم، با آن شم زنانه، به دلش افتاده بود که اتفاقی برای همسرش افتاده است. شاید به خیالش پدرم تصادف کرده یا دچار برق‌گرفتگی شده بود، اما مطمئنم اصلاً فکرش را نمی‌کرد که دو مرد پست‌فطرت شوهرش را بی‌رحمانه کشته‌اند. مادرم غذا و نوشیدنی را روی میز رها کرد و بیرون دوید و من هم به دنبالش دویدم...

در تقدیس امر مکتوب

نگاهی به رمان «رویای مردان ایرانی»

علیرضا آقایی‌راد
نویسنده و منتقد ادبی

«رویای مردان ایرانی» رمانی به قلم ماردین ابراهیم از نسل دوم نویسندگان کردی است که به بازار کتاب ایران وارد می‌شوند؛ نویسندگانی که پس از نسل اول هم‌صنفان‌شان، پا در همان مسیر گذاشته و استقبال مخاطب را به همراه دارند. «رویای مردان ایرانی» را از چند منظر می‌توان تحلیل و بررسی کرد. این رمان نیز مانند بسیاری دیگر از آثار ادبیات کرد از نماد، اسطوره و رئالیسم جادویی برای بیان آنچه قصد بیانش را دارد، بهره می‌برد. اما جز اینها، رمانی است در تقدیس امر مکتوب. یعنی می‌شود گفت این اثر در حقیقت کتابی است در تمجید از کتاب و نقشش در ایجاد ساختار مبتنی بر آگاهی که لازمه داشتن جهانی آزاد است.

در این رمان بیش از هر چیز با امر مکتوب روبه‌رو هستیم. اوفلیا، شخصیت اصلی کتاب، داستان زندگی خودش را می‌نویسد و در حقیقت تبدیل به کتاب می‌کند. ماجرای اصلی کتاب درباره تلاش دو دسته برای نابودی و از سویی حفظ یک کتاب است. «مم و زین»، یکی از ستون‌های اصلی فرهنگ و ادبیات کردی و رخدادهای پیرامونش در رمان ابراهیم تبدیل به ماجرای اصلی می‌شود. پدر اوفلیا به عنوان تصویری از یک فرد روشنفکر در رمان، صاحب یک کتابفروشی است و شخصیت مردی که به عنوان معلم در یکی از روستاهای منطقه بالکان به بچه‌ها خواندن و نوشتن یاد می‌دهد، نمادی است از کسی که به واسطه با سواد کردن کودکان، آنها را در مسیر مواجهه با خواندن و نوشتن قرار می‌دهد؛ گویی ماردین ابراهیم در رمانش، تمام رخدادها و شخصیت‌های اصلی و فرعی‌اش را در خدمت امر مکتوب و نشان دادن اهمیت کتاب به عنوان نماد آگاهی قرار داده است. رمان «رویای مردان ایرانی» یکی دیگر از آثاری است که پلی بین دو فرهنگ فارسی و کردی زده تا نشانی باشد از دوستی؛ چیزی که اگر از مواجهه با ادبیات به آن نرسیم، از هیچ چیز دیگر نخواهیم رسید. «رویای مردان ایرانی» را موشکافانه بخوانید.